**درس فقه، جلسه ۱: ۱۶/۶/۱۳۹۹، سید محمد جواد شبیری**

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

مسائل قبلی عدد، یک سری‌اش را در ضمن بحث‌های قبلی صحبت کرده بودیم. مسئلة ۱۳، مسئلة جدیدی هست که کتاب العدد، مسئلة ۱۳، مسئلة عدة حامل هست. عبارت عروه را بخوانم.

«مسألة 13: عدة الحامل حرّة كانت أو أمة، في الطلاق و الفسخ و الوطء بالشبهة‌

مع كون الحمل للمطلق و الفاسخ و الواطى، وضع الحمل للآية و الأخبار القريبة من التواتر، فلا تخرج من العدة إلّا به على المشهور المعروف، و عن الصدوق و المرتضى و ابن البراج إنها أسبق الأمرين من الوضع و الأقراء، أو الأشهر»

بحث سر عدة حامل هست، در مورد عدة حامل آیة قرآن «و َأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» در سورة طلاق، آیة ۴، دال بر این هست که عدة حامل وضع حمل هست. و اخبار روایت‌های خیلی زیادی هم بر این مطلب دال هست. بعضی روایت‌هایش را، آدرس‌هایش را می‌دهم. مشهور و معروف هم این هست که مطلب اینجوری است. ایشان سه تا مخالف ذکر می‌کند. یکی صدوق هست، یکی مرتضی هست، ابن براج هست. «إنها أسبق الأمرين من الوضع و الأقراء، أو الأشهر» گفتند که شیخ صدوق و سید مرتضی و ابن براج قائل به این هستند که هر یکی از وضع حمل یا اقراء یا اشهر که زودتر اتفاق بیفتد عده به او سپری می‌شود. لازم نیست که حتما صبر کنیم وضع حمل بشود تا عده سپری بشود. استدلالاتی را ذکر می‌کنند که حالا در موردش صحبت می‌کنیم.

قبل از این‌که به ادامة کلام مرحوم سید بپردازم یک نکته عرض کنم، ایشان تعبیر می‌کند «عن الصدوق و المرتضى و ابن البراج» مراجعة جدی نکردم ببینم غیر از ایشان کس دیگری از سید مرتضی این مطلب را نقل کرده یا نقل نکرده. سید مرتضی نظرش این نیست. سید مرتضی در دو جا، تا آنجایی که من اجمالاً نگاه کردم به این مسئله پرداخته. یکی در مسائل موصلیه هست. در مسائل موصولیه، در جامع الاحادیث هم از آن نقل کرده. در رسائل شریف مرتضی، جلد ۱، صفحة ۱۸۷ است. در مسائل موصلیه ثالثیه به این بحث پرداخته و خیلی مفصل رد کرده که مطلب اینجور نیست و نکاتی دارد که بعد عرض می‌کنم. بله مرحوم صاحب جواهر می‌گوید بله از عبارت سید مرتضی و عبارت ابن ادریس استفاده می‌شود که غیر از شیخ صدوق و ابن براج کس دیگری هم قائل به این قول هست. «و إن كنا لم نتحققه» ایشان این تعبیر را دارد. فکر می‌کنم سید مرتضی که می‌گوید یعنی آن کسی که سید مرتضی از او نقل کرده است. عبارت‌های مرتضی هم خیلی روشن نیست که بخواهد بگوید مثلاً غیر از شیخ صدوق کس دیگری هم این مطلب را دارد. عبارتش ناظر دقیقاً به کلام شیخ صدوق در فقیه هست. شیخ صدوق در فقیه عبارتی دارد، آن عبارت را سید مرتضی وارد بحثش شده و مفصل به آن متعرض شده. عبارت فقیه این هست، فقیه می‌گوید:

«رَوَى زُرَارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام‏ طَلَاقُ‏ الْحَامِلِ‏ وَاحِدَةٌ فَإِذَا وَضَعَتْ مَا فِي بَطْنِهَا فَقَدْ بَانَتْ مِنْهُ‏

وَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى- وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَ‏ فَإِذَا طَلَّقَهَا الرَّجُلُ وَ وَضَعَتْ مِنْ يَوْمِهَا أَوْ مِنْ غَدٍ فَقَدِ انْقَضَى أَجَلُهَا وَ جَائِزٌ لَهَا أَنْ تَتَزَوَّجَ وَ لَكِنْ لَا يَدْخُلُ بِهَا زَوْجُهَا حَتَّى تَطْهُرَ وَ الْحُبْلَى الْمُطَلَّقَةُ تَعْتَدُّ بِأَقْرَبِ الْأَجَلَيْنِ إِنْ مَضَتْ بِهَا ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ قَبْلَ أَنْ تَضَعَ فَقَدِ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا مِنْهُ‏ وَ لَكِنَّهَا لَا تَتَزَوَّجُ حَتَّى تَضَعَ فَإِنْ وَضَعَتْ مَا فِي بَطْنِهَا قَبْلَ انْقِضَاءِ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ فَقَدِ انْقَضَى أَجَلُهَا»

ایشان یک همچین نظری دارد که می‌گوید عده دو تا حکم دارد. یک حکم این هست که در عدة رجعی شوهر می‌تواند رجوع بکند. یک حکم دیگر این هست که در ایام عده، حالا مطلقا، چه رجعی باشد چه بائن باشد، زن نمی‌تواند ازدواج کند. ایشان این اقرب الاجلین را در مورد حکم اوّل مطرح می‌کند که اگر اقرب الاجلین تحقق پیدا کرد دیگر شوهر نمی‌تواند رجوع کند. اما ازدواجش باید بعد از وضع حمل باشد. تفصیلی قائل می‌شود که هنوز وضع حمل نکرده با وجودی که حق رجوع شوهر ندارد زن حق ازدواج هم ندارد، یک همچین تفصیلی را قائل هست.

«وَ لَكِنَّهَا لَا تَتَزَوَّجُ حَتَّى تَضَعَ فَإِنْ وَضَعَتْ مَا فِي بَطْنِهَا قَبْلَ انْقِضَاءِ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ فَقَدِ انْقَضَى أَجَلُهَا» از عبارت مرحوم سید مرتضی استفاده می‌شود که ایشان کل این عبارت از اوّل تا آخر را، روایت زراره تلقی کرده. کلّش را روایت زراره تلقی کرده و بحث کرده که اینها صدر و ذیلش با هم تنافی دارد. صدرش گفته که فاذا وضعت ما فی بطنها فقد بانت منه، ذیلش می‌گوید اقرب الاجلین آورده، یک بحث مفصلی هم در مورد این روایت آنجا مطرح کرده.

در انتصار سید مرتضی هم باز سید مرتضی به همین مسائل موصلیه اشاره کرده می‌گوید ما در مسائل موصلیه، بعضی خیال کردند این فتوایی که اقرب الاجلین هست فتوای، تعبیرش این است مما یظن منه انفراد الامامیة به. این‌که اقرب الاجلین هست. ایشان می‌گوید نه این مطلب درست نیست. اکثر امامیه بر خلاف هستند. ما در مسائل موصلیه به این بحث کردیم و گفتیم مستند آن کسانی که استدلال کردند، روایت زراره هست و ما روایت را تأویل کردیم و توضیح دادیم که این روایت قابل استناد نیست در انتصار ملاحظه بفرمایید در ینابیع فقهیه، جلد ۲۰، صفحة ۶۴ هم عبارت انتصار آمده. ایشان تقریباً روشن هست که کل این عبارت را، عبارت روایت دانسته. در حالی که ظاهراً آنجوری که مرحوم صاحب روضة المتقین تعبیر می‌کند صدرش فقط برای زراره است. عبارت زرارة این است:

«رَوَى زُرَارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام‏ طَلَاقُ‏ الْحَامِلِ‏ وَاحِدَةٌ فَإِذَا وَضَعَتْ مَا فِي بَطْنِهَا فَقَدْ بَانَتْ مِنْهُ‏» ظاهراً فقط این یک تکه هست که روایت زراره است، بعد از آن «وَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى- وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَ‏» و ادامة عبارت، عبارت‌های شیخ صدوق است. و اینجوری به نظر می‌رسد که صاحب روضة المتقین هم آورده. در روضة المتقین، جلد ۹، صفحة ۹۳ دارد: «و الظاهر أن الاستشهاد بالآية إلخ من كلام المصنف لما سيجي‏ء من الاقتصار به في بعض الروايات مع أن هذا الخبر لم يذكره أحد من الأصحاب غير المصنف.»

ایشان در واقع دو تا دلیل می‌خواهد بیاورد برای این‌که این تکه روایت نیست. یکی این‌که در نقل‌های دیگری که از خود همین روایت زراره هست، روایت زراره نقل‌های دیگر هیچکدام ادامه‌اش را نیاورده. این خبر زراره در سه جا نقل شده. در جامع الاحادیث. یکی جامع الاحادیث، جلد ۲۷، صفحة ۹۰. جامع الاحادیث در ۳ جا این را آورده. صفحة ۹۰، حدیث ۴۰۱۳۵. این عبارت فقیه را آورده که همین روایت فقیه است. نمی‌دانم چرا اینجا ایشان اینجوری آورده، در ضمن روایت اسماعیل جعفی عن ابی جعفر را که می‌آورد، این را با آن قاتی کرده. مناسب بود اینها از هم تفکیک می‌شدند، وقتی راوی روایت متفاوت است، روایت را مناسب است جدا بشود. که همین عبارت فقیه است. اما دو جای دیگر این آورده شده. صفحة ۲۳۵. آن که اینجا هست

از سه جا، دوم: سید مرتضی در اجوبة مسائلة الثالثة الواردة من الموصل عن زرارة عن ابی جعفر علیه السلام، او را آورده و آن ذیل را هم نقل کرده ولی در روایت دیگر زراره که بعد از این نقل کرده، صفحة ۲۳۵، حدیث ۴۰۵۳۶، رقم ۳، از باب ۸ از ابواب العدد. عن زرارة عن ابی جعفر علیه السلام قال اذا طلّقت المرأة و هی حامل فاجلها عن تضع حملها و ان وضعت من ساعتها. همان مضمون فاذا وضعت ما فی بطنها فقد بانت منه، این عبارت را اینجا آورده. دیگر آن ادامه‌اش را نیاورده. ظاهراً در این اشاره به همین هست که در نقل دیگر روایت زراره این آورده نشده. علاوه بر این، ایشان می‌گوید هیچ کس دیگری هم یک همچین روایتی را نقل نکرده. از زراره، غیر زراره اصلاً چنین تعبیری را آورده نشده و ایشان همین را می‌خواهد قرینه قرار بدهد که مراد این عبارت، عبارت مرحوم شیخ صدوق است. خود شیخ صدوق هم در جاهای دیگر غیر از فقیه این را نیاورده. به نظر می‌رسد که اصل خود این عبارت شیخ صدوق است. شیخ صدوق دیدگاه خودش و نظر خودش را اینجا مطرح کرده. چون در بعضی روایات هست که، دو تا روایت، ابی الصباح کنانی را که در خود عروه هم نقل شده، توضیح همین روایت ابی الصباح کنانی است که اقرب الاجلین را تعبیر کرده. اما حالا چطور شده لکنّها تتزوج حتی تضع، آنهایش را نمی‌دانم چطور شده که مرحوم صدوق یک همچین تفصیلی را قائل شده. تفصیل بین وضع حمل و امثال اینها. یک همچین عبارتی در عبارت‌های فقیه هست و مشکل هست که ما این عبارت را به‌طور کامل بخواهیم روایت تلقی کنیم. فقط به نظر می‌رسد همین روایت‌هایی که ابی الصباح و حلبی و امثال اینها هستند که می‌تواند در این بحث مورد نظر قرار بگیرد.

در بحث طلاق حامل چند دسته روایات داریم. روایت‌های بسیاری زیادی مثل آیة قرآن تعبیر کردند که عدة حامل وضع حمل است. یک روایت دیگری تعبیر کرده که، همین روایت ابی الصباح کنانی هست که تعبیر کرده عدة حامل اقرب الاجلین هست. که اقرب الاجلین را مرحوم صدوق معنا فرموده بودند که اشهر و وضع حمل، هر کدام زودتر بود، آن است. صحبت از اقراء نکردند به دلیل این‌که حامل اگر هم یک بار قرئی در موردش مطرح باشد، دیگر اقراء داشته باشد و قبل از وضع حمل سه بار اقراء بشود، تقریباً خارجیت ندارد. و این اقرب الاجلین هم که اینها تعبیر می‌کنند مراد حاملی که متعارفاً باید به اشهر باشد یا به وضع حمل. اصلاً عملی نیست سه بار طرف حائض. یک بار قرء ممکن است ولی سه دفعه قرء ببیند، قرء منظم، این هیچ وقت عملی نیست. این است که مرحوم صدوق اصلاً بحث اشهر را مطرح کرده و هیچ بحث قرء را نیاورده به این جهت هست. روایت‌های بسیار زیادی عده‌اش را وضع حمل قرار دادند. یک روایت اقرب الاجلین تعبیر کرده. دو تا روایت هم بین اینها جمع کرده.

«طَلَاقُ‏ الْحُبْلَى‏ وَاحِدَةٌ وَ أَجَلُهَا أَنْ تَضَعَ حَمْلَهَا وَ هُوَ أَقْرَبُ الْأَجَلَيْنِ.» هر دو را ان تضع حملها و هو اقرب الاجلین تعبیر کرده.

یک سری روایت‌های دیگری خارج از این بحث هست که فعلا خیلی به آنها کار ندارم. یک روایت هست که می‌گوید حضرت امیر صلوات الله زنی را که بعد از وضع حمل و در همان حالت نفاس ازدواج کرده بود حد بر او جاری کرد. که مرحوم شیخ طوسی آن را حمل کرده بر این‌که در همان نفاس هم مباشرت انجام شده. یک همچین حملی کرده. حالا آن روایت صلاحیت این حمل را داشته باشد یا نداشته باشد، روایت متعدد هم در همین موضوع هست که در همان وضع حمل مانعی ندارد، می‌شود بعد از وضع حمل ولو هنوز پاک نشده و در حالت خون نفاس هست می‌شود ازدواج کرد ولی مباشرت جایز نیست.

شاگرد: بخش سوم بود؟

۲۳:۲۷

استاد: به یک معنا ممکن است چهارم تلقی بشود که روایت‌هایی که کأن از آن استفاده می‌شود باید وضع حمل بشود و فرجش هم از خون نفاس پاک بشود. ولی عبارت روایت خیلی هم صریح در این نیست که عده‌اش سپری نشده. آن این هست که حضرت می‌گوید که چون یک همچین ازدواجی کرد حد جاری کرد. یک همچین چیزی. خیلی اوّلاً روشن نیست که ناظر به این بحث باشد که اصلاً عده‌اش سپری نشده، آن حملی که مرحوم شیخ طوسی مطرح می‌کند، آن روایت از بحث ما خارج است.

آن روایت‌هایی که مربوط به بحث شیخ صدوق و ابن براج هست، نظریة آنها هست، این دو دسته روایت اخیر است. بنابراین ما سه دسته روایات داریم. یک دسته روایات وضع حمل را مطرح کردند که خیلی زیاد است. و در عروه تعبیر می‌کنند که القریبة من التواتر. شاید شخص متواتر هم آنها را تلقی مجازف نیست. ده تا روایت را یادداشت کردم که فردا آدرس‌هایش را عرض می‌کنم.

روایت‌های خیلی روشنش. روایت‌هایی که اشاره دارد که آنها را هم ضمیمه کنیم باز بیشتر از این است. در جامع احادیث در همین باب عدة حامل آدرس‌هایش را دارد. ایشان همة روایات را آورده، چه روایت‌هایی که صریح طوری است و روایت‌هایی که یک اشاره‌ای به این بحث هست همة اینها را آورده، من سعی کردم آن روایت‌های صریح‌تر و آن روایت‌هایی که قابل توجه هست آنها را یادداشت کردم که آدرس‌هایش را فردا عرض می‌کنم. بحث سندی‌اش را زیاد نمی‌کنم. فردا روایت‌هایش را می‌خوانم فقط اشاره می‌کنم که سندش صحیح است یا غیر صحیح است، خود رفقا سندهایش را نگاه کنند که دیگر نیازی نباشد سندهایش را. یک اشارۀ اجمالی به بحث سندی می‌کنم چون روایت مفصل است نیازی به بحث سندی تفصیلی در اینجا نیست. این دسته روایت‌های خیلی زیادی است.

دستة دوم روایت ابو الصباح کنانی است که تعبیر اقرب الاجلین را تنها آورده.

تعبیر سوم، تعبیری هست که هر دو را با هم جمع کرده. مشهور این روایت دستة سوم را اینجوری معنا کردند. گفتند که این دستة سوم می‌خواهد تعبیر روایت این هست وضع حمل توضیح بدهد که آن اقرب الاجلینی که هست همین وضع حمل هست. می‌گوید عدتها ان تضع حملها و هو اقرب الاجلین. مراد از اقرب الاجلین این است، می‌گوید وضع حمل چون امکان دارد خیلی زود انجام بشود، می‌خواهد این را توضیح بدهد که اقرب، یا اجل امکان که امکان دارد وضع حمل است. خب آن سه ماه همیشه سه ماه است، ولی وضع حمل ممکن است یک لحظه بعد از اینها باشد. بعضی از روایات هم بود، و ان وضعت من ساعته، یا من یومه، اشاره به همین است که این وضع حمل اقرب الاجلین هست. من حدس می‌زنم، حالا این را رفقا مراجعه کنند ببینند، آیا روایتی از پیغمبر وارد شده که تعبیر کرده عدة حامل اقرب الاجلین است که این می‌خواهد آن را توضیح بدهد. یک همچین احتمالی می‌دهم که این را مراجعه کنید که اصل این روایت در تفسیر، از پیغمبر وارد شده باشد که عدة حامل اقرب الاجلین است، این روایت می‌خواهد بگوید آن روایتی هم که اقرب الاجلین تعبیر کرده که روایت ابو الصباح کنانی هم از امام صادق همان را آورده آن همان وضع حمل را می‌خواهد بگوید، چیز دیگری غیر از وضع حمل را نمی‌خواهد بگوید. ولی در واقع یک مقدار اشاره به ماجرای، یعنی یک نوع مقایسه‌ای هست بین مطلقة حامل و متوفی عنها زوجهای حامل. متوفی عنها زوجها حامل آنجا باید چهار ماه و ده روز سپری بشود به محض این‌که با وضع حمل خارج نمی‌شود. یک فتوای عامه دارند خیلی‌هایشان. آنها می‌گویند عدة حامل چه در مطلقه، چه در متوفی عنها زوجها وضع حمل است. آنها می‌گویند حتی اگر هنوز تعبیر بعضی روایاتش هست، هنوز وضع حمل بکند، هنوز میت را دفن نکردند، و ان کان علی المغتسل، گذاشتند غسلش بدهند. زن اگر وضع حمل کرد عده سپری شده. روایت ما این صریحاً رد شده و گفته شده که عده‌اش ابعد الاجلین هست. یعنی باید صبر کنند تا وضع حمل بشود، چهار ماه و ده روز هم بگذرد. هر دو باید سپری بشود. به نظر می‌رسد که این روایتی که اینجا هست ناظر به همین هست، می‌خواهد بگوید که بین مطلقه و متوفی عنها زوجها فرق است. اینجور نیست که با وضع حمل عده سپری بشود. این‌که با وضع حمل عده سپری می‌شود که خیلی سریع ممکن است اتفاق بیفتد، این در مورد مطلقه است. در مورد متوفی عنها زوجها نیست. حدس می‌زنم این ناظر به همین مطلب هست که می‌خواهد توضیح بدهد که اگر روایتی هم اقرب الاجلین را مطرح کرده این روایت اقرب الاجلین در مقام بیان این نیست که غیر از وضع حمل است. می‌خواهد بگوید طلاق حامل با وضع حمل سپری می‌شود. یعنی همان دیدگاهی که. می‌خواهد اشاره کند آن روایت‌های اقرب الاجلین که بوده آن روایت‌های اقرب الاجلین نمی‌خواهد غیر از وضع حمل چیزی را بگوید. توضیحی هست برای روایت‌های، روایت اقرب الاجلین که امثال اینها. حالا از پیغمبر هم روایتی در این زمینه در مورد اقرب الاجلین وارد شده باشد که طلاق، آن را باید دید. ولی علی ای تقدیر به نظر می‌رسد که این روایت و هو اقرب الاجلین می‌خواهد همین مطلب را توضیح بدهد.

صاحب جواهر اینجا عبارت صحیح حلبی را اینجوری به نظرم. روایت صحیح حلبی این هست.

شاگرد: چون وضع حمل قطعی بوده اقرب را به همین چیز کردند؟

۳۳:۴۰

استاد: نه، می‌خواهم بگویم عام هم در مورد طلاق، هم در مورد وفات اینها گفتند که با همان وضع حمل سپری می‌شود. یعنی خیلی زود می‌تواند سپری بشود. این روایت‌ها می‌خواهند بگویند این که زود سپری می‌شود یعنی می‌تواند زود سپری بشود آن برای طلاق است. این که زود می‌تواند سپری بشود یعنی در واقع رد آن دیدگاه عامه است. می‌خواهد بگوید این اقرب الاجلین که مطرح هست می‌خواهد بگوید این بحث اقرب الاجلین برای طلاق است، نه در مورد وفات. اقرب الاجلین هم خود همان عامه هم در ذهنم هست، اصلاً چیز مطرح نمی‌کنند، نمی‌خواهند بگویند وضع حمل نشده عده‌اش سپری می‌شود. می‌گویند وضع حمل کافی است، به مجرد وضع حمل شدن عده سپری می‌شود، ولو یک لحظه. چون ممکن است فاصلة بین طلاق و وضع حمل خیلی کم باشد، به تعبیر روایت و ان وضعت من ساعته. در همان ساعت وضع حمل کند. عرض من این هست که این روایت می‌خواهد توضیح بدهد که اقرب الاجلینی که. حالا فرض کنید روایت ابو الصباح کنانی، اگر از پیغمبر هم وارد شده باشد که بهتر. اگر در جایی روایت اقرب الاجلین مطرح هست آن اقرب الاجلین در مقام بیان فرق طلاق و وفات است که طلاق می‌تواند در کمترین مدت عده‌اش سپری شود. چون وضع حمل خیلی سریع می‌تواند انجام بشود به خلاف وفات. وفات حداقل ۴ ماه و ده روز هست. یعنی حداقلش ۴ ماه و ده روز باید سپری بشود. کمتر از چهار ماه و ده روز نمی‌شود. به خلاف طلاق که می‌تواند کمتر از سه ماه بشود. به این اعتبار که عدة طلاق کمتر از سه ماه هم امکان‌پذیر هست.

بین عدة طلاق و عدة وفات اصلاً تفاوت جوهری وجود دارد. عدة طلاق به جهت اصل حکمت جعل عدة طلاق استبراء رحم است. ولو احترام شوهر هم رعایت شده، ولی عمدة احترام شوهر به این هست تا جایی که احتمال حملی از او وجود داشته باشد، یا حمل بالفعلی از او وجود داشته باشد شارع مقدس یک مدتی را اقراء و اشهر هم امثال اینها را، احترام شوهر به یک معنا هست. ولی احترام شوهر در این هست که تا استبراء رحم نشده، ولو به معنای حکمت جعل، تا استبراء رحم نشده این چیز انجام نشود. ولی وفات اصلاً به استبراء رحم و به این حرف‌ها ربطی ندارد. طلاق در مورد غیر مدخوله، صغیره، یائسه، امثال اینها در مورد تمام اینها طلاق عده دارد. ولی وفات به رحم و به این‌که حالت دخول شده باشد، نشده باشد، اصلاً نکته‌اش نکتة دیگری است. بنابراین نتیجة این بحث این است که به‌طور طبیعی عدة وفات باید ابعد الاجلین باشد. چون دو تا سبب مستقل هستند، به هم هیچ ارتباطی ندارند، باید طبیعتاً ابعد الاجلین بشود و آن نکته‌هایی هم که در چیزهای عامه وجود دارد، آنها خیلی بر خلاف تناسبات حکم موضوع عقلایی قضیه هم هست که بخواهیم بگوییم که به محض این‌که وضع حمل شد هنوز چیز نشده، یک تفاوت‌های مبنایی هم وجود دارد، اصلاً آن تفاوت‌های مبنایی نمی‌خواهم وارد تفصیل آن بحث بشوم. غرضم این نکته هست که این روایات می‌خواهم تکیة این روایت ظاهراً به این هست که توضیح بدهند که اگر روایتی عدة طلاق حامل را اقرب الاجلین قرار داده این مراد از اقرب الاجلین، اقرب الاجلین امکانی است. یعنی از این دو اجل کدام یکی از این دو اجل امکان دارد کمتر باشند؟ یکی وضع حمل است که خود همان وضع حمل را می‌خواهد بیان کند و هو اقرب الاجلین ناظر به همین مطلب هست.

مرحوم صاحب جواهر اینجا یک بیاناتی دارند، عبارت جواهر را ملاحظه بفرمایید. مرحوم صاحب جواهر متمایل هستند به قول مرحوم شیخ صدوق و سعی می‌کنند، می‌خواهند بگویند لازمة جمع بین اخبار هم این مطلب هست، عبارتی دارند، آنها را ملاحظه بفرمایید، فردا در مورد اینها صحبت می‌کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

پایان